

احكام و تعاليم فردى - حكمت

حضرت بهاء الله



حكمت

حضرت بهاء الله:

1 - " انصروا مالك البرية بالأعمال الحسنة ثم بالحكمة والبيان كذلك أمرتم في أكثر الألواح من لدى الرحمن إنه كان على ما أقول عليما " (كتاب اقدس - بند 73)

2 - " يا أحبباء الله اشربوا من عين الحكمة وسيروا في رياض الحكمة وطيروا في هواء الحكمة وتكلموا بالحكمة والبيان كذلك يأمركم ربكم العزيز العلام " (لوح منيع برهان ، ص ۱۳۰ مجموعه اى از الواح جمال اقدس ابيه)

3 - " قل إن الحكمة رأس الأعمال ومالكها تمسك بها ... " (ص ۱۰۹ ج ۳ امر و خلق)

4 - " كن ناطقا بالحكمة وذاكرا بالحكمة ومعاشرا بالحكمة كذلك حكم من كان على الأمر قويا " (ص ۱۰۹ ج ۳ امر و خلق)

5 - " يا أهل البها سخروا مدائن القلوب بسيوف الحكمة والبيان إن الذين يجادلون بأهواء أنفسهم أولئك في حجاب مبين . قل سيف الحكمة أحر من الصيف وأحد من سيف الحديد لو أنتم من العارفين " (ص ۱۱۱ الواح نازله خطاب بملوك)

6 - " إنا نوصيكم بالحكمة حكمت اعمال و افعالى است كه سبب اگاهى غافلهاى عالم است و همچنين تقرب ایشان است بحزب الله ... بايد حكماى ارض بكال رأفت و محبت عباد را بشريعة الله و مشرق عنايتش دعوت نمايند "

(ص ۲۶۰ گنجينه حدود و احكام)



TABLET

7 - " و از حکمت ملاحظه مقامات است و سخن گفتن باندازه شأن و از حکمت حزم اس " (ص ۱۱۱ ج ۳ امر و خلق)

8 - " بعضی از دوستان الهی حکمت را ملاحظه ننموده اند و از مقامش غافل شده و سبب گشتند در بعضی از بلاد ضوضاء مرتفع شد . بشنودند ندای مظلوم را و بآنچه در الواح نازل شده عامل شوید . تا سمع نیاید لب نگشاید و تا ارض طیبه مبارکه مشاهده نکنید بذر حکمت را ودیعه نگذارید . القاء کلمه الهی وقتی است که سمع و بصر مستعد باشند و همچنین ارض . بعضی در بعضی از احیان تکلم نمودند بآنچه که ضرر باصل سدره راجع است . قل یا قوم خافوا الله ولا تکنوا من الظالمین . اتقوا الله ولا تکنوا من الجاهلین . ارض جزز لایق انبات نه و سمع شرک لایق اصغاء کلمه توحید نه "

(ص ۳ - ۴۰۲ ادعیه حضرت محبوب)

9 - " جمیع امور به حکمت باید واقع شود . امری که سبب ضوضای خلق شود البتّه مغایر حکمت است "

(ص ۱۱۶ ج ۳ امر و خلق)

10 - " یا حکیم حکمة الله حافظ عباد است و نور من فی البلاد لا زال کلّ را بحکمت و بیان و مقتضیات آن امر نمودیم مقصود اینمظلوم از اول ایام الی حین آنکه مذهب الله را سبب بغضاء ننمایند " (ص ۱۰۸ ج ۳ امر و خلق)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " در الواح الهی ذکر حکمت گشته و بیان مراعات مقتضیات مکان و وقت شده . مراد سکون روحی و شوون عنصری نبوده بلکه مراد الهی این بوده که شمع در جمع برافروزد نه در صحرای بی نفع . ماء فیض الهی بر ارض طیبه نازل گردد نه ارض جززه و الا خاموشی شمع را حکمت نتوان گفت و پریشانی جمع را علامت وحدت نتوان شمرد . افسردگی و مردگی ، حیات و زندگی تعبیر نشود و ناتوانی و درماندگی هوشمندی و زیرکی نگردد " (ص ۲۶۱ گنجینه حدود و احکام بنقل از ج ۱ مکاتیب)

2 - " و حکمت اینست که بمدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبلیغ نماید نه اینکه به صمت و سکوت پردازد و بکلی فراموش نماید . خلاصه احبای الهی را فردا فرد به تبلیغ امرالله تشویق نماید که حکمت مذکوره در کتاب ، نفس تبلیغ است ولی بمدارا " (ص ۲۶۱ گنجینه حدود و احکام)